

فسبحانک اللهم یا الهی کیف احسرت شفتای بذکرک بعد علمی بان ذکرى و وجودى مفقود لى ظهورات عز سلطنتک و معدوم عند شئونات قدس ازلیتک و کیف اصمت عن الذکر تلقاء مدین احدیتک بعد الذی حبک اخذ الزمام عنی و یحرکنی کیف یشاء بحیث جعلت مقهوراً بین یدیه و لم اقدر علی الصبر فی حبک و لا الاضطبار فی امرک و ان امنع اللسان عن بدایع نطقه فی وصفک فوعزتک قلبی یرفع اعلام ذکرک و ان ءاخذ القلب عمّا کان علیه لئلا یتطلع احد حبیبی ایاک فوجمالک روحی تطیر فی سماء قریک و تدفّ فی عماء وصلک و ان امنع القدم عن المشی فی سبیلک اشاهد بان الایدی رفعت الی حدیقه عزک و مدینه لقائک فسبحانک یا الهی کیف یمنع من خلق فواده بحبک و عجن طین کینونیه بماء محبتک و ذوت ذاته من رشحات قریک و احرق قلبه من نار وصالک اذا اسئلک یا الهی بنورک الاول و بظهورک الآخر بان تجعل هذا العبد الذی اقام لى باب عزتک و سجد التراب خاضعاً لامرک مستقیماً بحبک و منقاداً لسلطنتک و مقبلاً لحرم جمالک و محرماً کعبه اجلالک اذ انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت المهیمن القیوم

این سند از [کتابخانه مرجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳، ساعت ۳:۰۰ بعد از ظهر